

مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در فقه امامیه و قانون ایران و

کنوانسیون ۱۹۸۰ وین^۱

حسین احمدی *

پرویز نکائیان**

چکیده:

خسارت تأخیر تأدیه از موضوعاتی است که از دیرباز در حقوق مطرح بوده است. پس از انقلاب فقه‌های شورای نگهبان به استناد اصل چهارم قانون اساسی، وظیفه‌ای که نسبت به تطبیق قوانین با شرع انور داشتند بدواً اخذ هر نوع خسارت تأخیر تأدیه را مغایر شرع و حرام اعلام نمودند ولی مدتی بعد به دلیل رشد روزافزون نقدینگی و افزایش تورم و خسارتی که با تأخیر متعهد در پرداخت تعهد نقدی خود متوجه متعهدله می‌کرد علی‌الخصوص در امور بانکی، شورای نگهبان را وادار به تجدیدنظر و پذیرش خسارت تأخیر تأدیه نمود. مشروط بر اینکه اخذ خسارت در صورت تأخیر متعهد در سررسید، در ضمن عقد شرط شده باشد. سرانجام در سال ۷۹ قانونگذار در قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۵۱۵ مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را به طور کلی در صورت تحقق ۴ شرط پذیرفت. در این مقاله صرفاً به ابعاد فقهی و حقوقی «خسارت تأخیر تأدیه» در فقه امامیه و حقوق ایران و تطبیق آن با کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها: خسارت، تأخیر تأدیه، خسارت تأخیر تأدیه، بهره.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- تاریخ وصول: ۹۰/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۲۸

* استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

** دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد zokaieian@baboliau.ac.ir

۱- مقدمه

از جمله موضوعات فقهی حقوقی که بعد از انقلاب دستخوش تغییر عمده‌ای شد، مسأله خسارت تأخیر تأدیه است و محل آن جایی است که موضوع تعهد وجه نقد رایج باشد و متعهد، تعهد خود را در موعد مقرر انجام ندهد و متعهدله متضرر گردد (صرف تأخیر برای ورود خسارت کافی است)، زیرا با توجه به رشد تورم که کاهش ارزش نقدینگی را برداشته و تلازم خاصی بین آنها حاکم است، قدرت خرید کاهش پیدا می‌کند. تأخیر متعهد در انجام تعهد، خسارت جدی و بعضاً جبران‌ناپذیری را بر متعهدله وارد می‌سازد تا جایی که اگر نقدینه خود را با تأخیر طولانی دریافت دارد هرگز این نقدینه قدرت خرید زمان تعهد را نخواهد داشت. در تجارت جهانی و کنوانسیون ۱۹۸۰ وین نیز خسارت تأخیر تأدیه مورد توجه جدی قرار گرفت و حقوق دانان بین‌المللی با پیش‌بینی ماده ۷۸، اخذ خسارت تأخیر تأدیه را پیش‌بینی کردند. در حقوق ایران بعد از انقلاب اسلامی در مورد مسأله خسارت تأخیر تأدیه، شاهد موضع‌گیری‌های از سوی مراجع فقهی و قانونی بودیم که در این مقاله تلاش شده است خسارت تأخیر تأدیه در فقه امامیه و قانون ایران (قبل و بعد از انقلاب) و کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین مورد مطالعه تطبیقی قرار گیرد و با توجه به خلاف شرع بودن ربا، راهکاری را در شرع پیدا کرد تا با تعیین خسارت بر تأخیر تأدیه، اهرمی برای انجام تعهد در موعد مقرر گردد.

۲- بررسی مفاهیم واژه‌ها**۲-۱ - خسارت**

خسارت در لغت به معنای ضرر کردن، زیان بردن و ضرر و زیان آمده (فرهنگ معین). در متون فقهی ضرر به معنای: صدمه جانی زدن به خود و دیگری اعم از ضرر و جرح یا قتل، اتلاف و ناقص کردن اموال خود و دیگران و تجاوز به مال غیر مانند غصب، خیانت در امانت آورده شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۱، ۴۹).

امام خمینی (ره) ضرر را (ضد نفع و مقابل نفع) معنی کرده است (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۵، ۱، ۲۸) و مفردات راغب اصفهانی ضرر را به سوء حال تفسیر می‌کند اعم از این که سوء حال نفس به خاطر قلت علم و فضل یا سوء حال بدن به خاطر فقدان عضوی از اعضاء و یا به خاطر قلت مال و آبرو باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۲۹۳). در فرهنگ‌های انگلیسی نیز خسارت هم به معنی زیان و هم به معنی غرامت

است. (damage)، (فرهنگ آریانپور) - و در اصطلاح حقوقی هر جا که نقضی در اموال ایجاد شود و یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید می‌گویند ضرری به بار آمده است و از طرفی کاستن از دارایی شخص و پیشگیری از فرونی آن به هر عنوان که باشد اضرار به او است (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱، ۲۱۹).

ضرری که به شخص وارد می‌شود ممکن است مادی یا معنوی باشد. ضرر مادی خود بر دو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول از دست رفتن مال موجود یا خسارت مثبت و نوع دوم، تفویت منافع یا خسارت منفی که همان عدم‌النفع است. برخی از حقوقدانان در تعریف عدم‌النفع می‌گویند: ممانعت از وجود پیدا کردن منفعتی که مقتضی آن حاصل شده است. مانند توقیف غیرقانونی شاغل که موجب حرمان او از گرفتن مزد شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ۱۴۲).

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، تعریفی از واژه خسارت به عمل نیامده است اما حقوقدانان در ماده ۷۴ خسارات قابل مطالعه را شامل زیان مادی وارده و عدم‌النفع بیان نمود و قابلیت پیش‌بینی را شرط لازم برای مطالبه خسارت دانسته است.

۲-۲- تأخیر تأدیه

تأخیر به معنای دنبال‌افکندن، عقب انداختن، پس انداختن و دیر کردن آمده است و جمع آن تأخیرات است (همان، ۱۳۲) و تأدیه در لغت به معنی گزاردن، پرداختن و پرداخت استعمال شده است (لغتنامه دهخدا). در قوانین نیز به همین معنا به کار رفته است.

۲-۳- خسارت تأخیر تأدیه

خسارت تأخیر زبانی است که صرف تأخیر به بار آورده و مدیون، علاوه بر اصل پول باید آن راپردازد (همان، ۱۳۱) و در مواردی به کار می‌رود که موضوع تعهد، پرداخت مبلغی وجه نقد رایج باشد و اگر موضوع، تحویل کالا و خدمات باشد یا پرداخت وجه نقد غیررایج در کشور، مثل ارزهای بیگانه باشد، عنوان «خسارت ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد» را به کار می‌برند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۴، ۲۶۳).

در مورد تعهدهایی که موضوع آن وجه نقد است. به طور معمول خسارت عدم انجام تعهد مطرح نمی‌شود. زیرا، (خسارت) بدل انجام تعهد است و زمانی موضوع حکم قرار می‌گیرد که اصل تعهد قابل اجرا

نباشد. در صورتی که مدیون بار نخست وفای به عهد نکند، طلبکار می‌تواند از راه فروش اموال مدیون به طلب خود برسد و مدیونی که توان وفای به عهد را دارد در دادن پول تأخیر می‌کند و از این راه خسارتی می‌زند که جبران‌ناپذیر است. پولی که از این بابت پرداخت می‌شود با اجرای اصل تعهد مخلوط نمی‌گردد و با بقای اصل تعهد و امکان اجرای آن نیز قابل وصول است. به همین جهت در قوانین تنها از خسارت تأخیر گفتگو شده است (همان، ۴، ۲۶۳).

مبنای هر خسارتی مسؤولیت است و آن نیز ناشی از قرارداد یا قهری است.

مسؤولیت قراردادی عبارت است از التزام متعهد به جبران خسارتی که در نتیجه عدم اجرای قرارداد به طرف او وارد می‌شود. این خسارت بوسیله دادن مبلغی پول جبران می‌گردد و الزام او ناشی از مسؤولیتی است که در اثر نقض عهد او با طرف خود ایجاد می‌شود (همان، ۴، ۱۴۶). به همین دلیل نویسندگان مدنی لزوم جبران این ضرر را منوط به تصریح در قرارداد یا حکم عرف و قانون دانسته‌اند (ماده ۲۲۱ ق. م).

مسؤولیت قهری در ماهیت خود تفاوتی با مسؤولیت قراردادی ندارد و در هر دو، وظیفه قانون مبنی بر جبران زیان وارده از عمل شخص مسؤول به دیگری وجود دارد. اما در مسؤولیت قهری منشاء این الزام نقض یک وظیفه عمومی یا قانونی مربوط به عدم اضرار به دیگران است (قاعده لاضرر). ولی در مسؤولیت قراردادی، منشاء آن وجه در رابطه قراردادی میان طرفین و نقض آن توسط یکی از آنها می‌باشد به عبارت دیگر مسؤولیت قراردادی زاییده اراده طرفین و خواست مشترک آنها است ولی مسؤولیت قهری از تجاوز به حکم قانون و یک الزام عمومی است. تفاوت دیگری که مسؤولیت قراردادی با مسؤولیت قهری دارد این است که در مسؤولیت قراردادی تقصیر متعهد در انجام تعهد مفروض است مگر این که ثابت کند منشاء تخلف علت خارجی بوده است که مربوط به او نمی‌شود (ماده ۲۲۷ ق. م). در صورتی که در مسؤولیت قهری در مواردی که وجود تقصیر برای تحقق مسؤولیت لازم است، تقصیر مفروض نیست و باید وجود آن توسط زیان دیده اثبات شود (ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی) و ماده ۳۳۴ و ۳۳۵ ق. م و مواد ۳۴۶ الی ۳۹۲ قانون مجازات اسلامی در بخش دیات).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳- شرایط مسؤولیت قراردادی

۱- وجود رابطه قراردادی صحیح و الزام‌آور در میان طرفین قرارداد.

۲- نقض قرارداد توسط یک طرف اعم از عدم انجام قرارداد یا تأخیر در انجام آن یا اجرای ناقص و معیوب قرارداد.

۳- ورود ضرر به طرف مقابل در اثر این نقض می‌باشد.

۴- برقراری رابطه‌ی سببیت عرفی بین عدم اجرای تعهد و ضرر (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵، ۲۲۹).
در مسؤولیت قهری، منشاء نقض یک تکلیف قانونی و عمومی در خصوص عدم اضرار به دیگران می‌باشد، خواه در قالب اتلاف، تسبیب، غصب یا هر یک از موجبات دیگر مسؤولیت باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۴، ۱۵۰).

۴- خسارت تأخیر تأدیه در کنوانسیون

در صورتی که موضوع تعهد، پرداخت مبلغی وجه نقد در موعدی معین باشد، متعهد مکلف است که دین خود را در موعد مقرر ادا نماید. حتی اگر از طرف داین مطالبه‌ای به عمل نیامده باشد. در غیر این صورت (عدم پرداخت در سررسید) مدیون مکلف به پرداخت مبلغی تحت عنوان خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود و استحقاق داین به مطالبه وجه مزبور ارتباط با زیان وارده ندارد. به عبارتی بر فرض که ثابت گردد در اثر تأخیر تأدیه زیانی به متعهدله وارد نشده است، صرف این امر نمی‌تواند نافی حق وی در مطالبه خسارت تأخیر تأدیه گردد.

متولیان کنوانسیون ۱۹۸۰ وین در ماده ۷۸ خسارت تأخیر تأدیه را پیش‌بینی نمودند تا جلوی سوء استفاده و دارا شدن ناعادلانه طرف متخلف را بگیرند و چنین مقرر کردند: «هر گاه یکی از طرفین، ثمن یا وجوه دیگری را که پرداخت آنها، تأخیر افتاده است، تأدیه ننماید، طرف دیگر مستحق دریافت بهره خواهد بود بدون اینکه به حق او در ادعای خسارت موضوع ماده ۷۴ خللی وارد آید».

اصل ۷۸ کنوانسیون، به طلبکار حق مطالبه بهره را می‌دهد. حتی اگر قانون ملی قابل اعمال مقررهای در این مورد نداشته باشد، با این وجود در بدو امر بهره‌ای که باید پرداخت شود موضوعی است که باید طبق قانون ملی نسبت به آن اتخاذ تصمیم کرد. اگر آن قانون هیچ فرمولی نسبت به محاسبه بهره وضع نکرده باشد، به نظر می‌رسد که دادگاه باید برای اتخاذ تصمیم به هزینه‌های قرض در محل تجاری طلبکار بذل توجه نماید. از آنجائی که در متن از بهره به عنوان چیزی غیر از ضرر و زیان صحبت می‌کند، ضرورتی ندارد که طلبکار دیگر هزینه‌ها را اثبات نماید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ۳، ۱۲۰).

۴-۱ - نرخ محاسبه بهره

کنوانسیون شیوه خاص را برای تعیین بهره معین نکرده است و در این خصوص ابهام دارد ولی طبق بند ۲ ماده ۷ ک، مسائل مربوط به موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون که تکلیف آنها صراحتاً در کنوانسیون تعیین نشده، باید طبق اصول کلی‌ای که کنوانسیون مبتنی بر آن است و در صورت فقدان این گونه اصول، طبق قانونی که حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، حاکم است حل و فصل شود (بند ۲ ماده ۷ ک). برخی از حقوقدانان معتقدند: این امکان وجود دارد که قوانین ملی کشور ما نصابی برای حداقل و یا حداکثر بهره قرار گیرد و پس از حاکمیت قانون ملی کشور نصاب بهره بر آن اساس تعیین گردد. امتیاز دیگری که روش کنوانسیون دارد جلوگیری از ورود در بحث بهره مرکب است. چرا که محاسبه خسارت وارده به عنوان مبنای بهره‌ی استحقاقی، خود به خود تمامی خساراتی را که به فرد متضرر وارد می‌شود در بر می‌گیرد و در نتیجه جایی برای محاسبه بهره‌ی مرکب باقی نمی‌گذارند (صفائی، ۱۳۸۷، ۳۸۱).

۴-۲ - مطالبه بهره بعد از فسخ

پس از فسخ قرارداد توسط مشتری، فروشنده باید علاوه بر استرداد ثمن (ماده ۸۴ ک) بهره‌ی آن را از زمان دریافت ثمن بپردازد. گرچه میزان و معیار خاصی برای ثمن در مواد ۷۴ و ۷۸ ک، تعیین نشده است ولی می‌توان از عرف تجاری و اطلاق مواد ۷۴-۷۶ کنوانسیون، ضابطه‌ای برای آن ایجاد کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ۳، ۱۲۰). اصل ۷۸ ک، به طلبکار حق مطالبه‌ی بهره را می‌دهد، حتی اگر قانون ملی قابل اعمال مقررهای در این مورد نداشته باشد.

۵ - سیر قانونی خسارت تأخیر تأدیه در ایران:

الف - خسارت تأخیر تأدیه در مقررات قبل از انقلاب

ب - خسارت تأخیر تأدیه در مقررات بعد از انقلاب

۵-۱ - خسارت تأخیر تأدیه در مقررات قبل از انقلاب

ماده ۲۲۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: « در صورتی که موضوع تعهد وجه نقدی باشد، حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۱ ۲۲ قانون مدنی، مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر تأدیه دین محکوم نماید. در این

ماده، اصل خسارت تأخیر تأدیه پذیرفته شده ولی صدور حکم بر اساس آن را منوط به رعایت ماده ۲۲۱ قانون مدنی نموده است. ماده اخیر مقرر می‌دارد: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد بنماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف، مسؤول خسارت طرف مقابل است مشروط بر این که جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد، عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد».

مواد ۷۱۹ - ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ به خسارت تأخیر تأدیه یا خسارت دیرکرد اختصاص داشت و شرایط مطالبه و میزان خسارت تأخیر تأدیه را بیان می‌کرد.

ماده ۷۱۹ آن قانون مقرر کرده بود: «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است، اعم از این که راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیرمعاملات استقراضی باشد، خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده (۱۲ درصد) محکوم به از سال است و علاوه بر این مبلغ، قراردادی به عنوان وجه التزام یا مال الصلح یا مال الاجاره و عنوان دیگری شده باشد. هیچ مورد بیش از صدی دوازده در سال نسبت به مدت تأخیر حکم داده نخواهد شد. لکن اگر مقدار خسارت، کمتر از صدی دوازده معین شده باشد، به همان مبلغ که قرارداد شده است، حکم داده می‌شود».

این ماده هرگونه دینی که موضوع آن وجه نقد بود را شامل می‌شد. آن چیزی که در ماده فوق حائز اهمیت می‌باشد این است که برای خسارت تأخیر تأدیه سقف ۱۲ درصد قائل شده بود ولی اگر زیرسقف توافق می‌شد مشکلی نداشت.

و طبق ماده ۷۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی سابق، خسارت تأخیر تأدیه، محتاج به اثبات نداشت و صرف تأخیر در پرداخت برای مطالبه و حکم کافی بود.

در ماده ۳۴ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ نیز خسارت تأخیر تأدیه پیش‌بینی شده بود و مقرر می‌داشت. دفترخانه بنا به تقاضای بستانکار، اجرائیه برای وصول طلب و اجور و خسارت دیرکرد صادر خواهد کرد» و در ماده ۳۶ قانون اخیر نیز میزان خسارت قابل وصول را ۱۲ درصد بیان کرد.

همچنین ماده ۱۱ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و ماده ۳۰۴ قانون تجارت، خسارت تأخیر تأدیه را در مورد اسناد تجاری پیش‌بینی کرده بود.

قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ شرایطی را برای خسارت تأخیر تأدیه مقرر کرده بود که آن را از دیگر خسارات قراردادی متمایز می‌ساخت:

- ۱- تقاضای خسارت تأخیر تأدیه از زمانی ممکن است که پرداخت به طور رسمی و از طریق ارسال اظهارنامه یا اقامه دعوا مطالبه شود، هرچند پرداخت عندالمطالبه باشد (ماده ۷۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۱۸).
- قانون‌گذار در مورد چک، ارائه چک به بانک را مطالبه رسمی تلقی کرده بود (ماده ۱۱ قانون چک مصوب ۱۳۵۵).
- ۲- ورود ضرر ناشی از تأخیر تأدیه مفروض است و لازم نیست طلبکار ورود آن را به خویش ثابت کند (ماده ۷۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۱۸).
- ۳- مقدار خسارت قابل مطالبه ۱۲ درصد مبلغ پرداخت نشده برای یک سال است. هر چند مقدار خسارتی که در واقع به طلبکار وارد شده، بیشتر یا کمتر از این مقدار باشد (همان ماده ۷۱۹).
- ۴- تقاضای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، علاوه بر خسارت ناشی از عدم پرداخت اصل بدهی، امکان‌پذیر نیست (همان ماده ۷۲۵).

۵-۲- خسارت تأخیر تأدیه در مقررات پس از انقلاب اسلامی

با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، فقهای شورای نگهبان عهده‌دار نظارت بر قوانین از جهت انطباق با احکام شرع انورند که در نظریه‌های متعدد، خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد را که در قوانین پراکنده آمده بود را با اکثریت آراء خلاف شرع دانستند از آن جمله می‌توان به نظریه‌های ۹۴۹۹ - ۱۳۶۲/۸/۲۵ و ۳۸۴۵ - ۱۳۶۴/۴/۱۲ و ۷۶/۲۱/۵۱۲ - ۷۶/۳/۱ اشاره کرد.

در نظریه شماره ۳۸۴۵ در پاسخ به نامه شورای عالی قضایی بیان می‌دارد: «مطالبه مازاد بر بدهی بدهکار به عنوان خسارت تأخیر تأدیه چنانچه امام خمینی (ره) نیز صریحاً با این عبارت: (آنچه به حساب دیرکرد تأدیه بدهی گرفته می‌شود ربا و حرام است)، جایز نیست و احکام صادره بر این مبنا شرعی نمی‌باشد. بنابراین مورد ۷۱۹ تا ۷۲۳ قانون آیین دادرسی حقوقی و سایر موادی که به طور متفرق احتمالاً در قوانین در این رابطه موجود می‌باشد خلاف شرع انور است و قابل اجرا نیست. (نظریه شماره ۳۸۴۵ شورای نگهبان ۱۳۶۴/۴/۱۲ روزنامه رسمی شماره ۱۲۸۳۴ - ۶۷/۱۲/۲۵).

شورای نگهبان در تأیید مطلب فوق مجدداً در تاریخ ۶۷/۱۰/۱۴ به شرح زیر اظهار نظر کرد:

«با این این که نیازی به اظهار نظر مجدد نیست و تمام مواد و تبصره‌های موجود در قوانین و آیین-نامه‌ها و مقرراتی که اجازه اخذ مبلغی را به عنوان خسارت و تأخیر تأدیه می‌دهد(که حقیقت آن مازاد بر بدهی بدهکار است)، باطل است مع ذلک به لحاظ این که بعضی از مقامات ثبتی هنوز هم تردید دارند، فلذا نظر شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود:

آن قسمت از ماده ۳۴ قانون ثبت و تبصره ۴ و ۵ آن بدهکار را به عنوان خسارت تأخیر تأدیه شمرده است، حذف موازین شرع و باطل اعلام می‌شود. لازم به تذکر است که تأخیر ادای دین حال پس از مطالبه طلبکار برای شخص متمکن شرعاً جرم و قابل تعزیر است(روزنامه رسمی شماره ۱۳۸۳۴ - ۱۳۶۷/۱۲/۲۵). در تمام مواردی که شورای نگهبان اخذ خسارت تأخیر تأدیه را جایز ندانست مبنای نظریاتشان ربا بود که در شرع اخذ و اعطای آن حرام است. این دیدگاه مشکلات متعددی را برای مردم و بانک‌ها بوجود آورد زیرا بسیاری از وام‌گیرندگان در پرداخت قسط‌های خود تأخیر می‌کنند و عدم اخذ خسارت تأخیر تأدیه به عنوان خسارت دیرکرد و از طرفی رشد تورم، بانک‌ها را با معضل جدی مواجه کرد تا جائی که بانک مرکزی برای یافتن راه‌حلی با شورای نگهبان مذاکراتی را آغاز کرد و شورای نگهبان در نهایت نظر قبلی خود را تغییر داد.

در نظریه شماره ۷۷۴۲ مقرر شد که بانک‌ها می‌توانند در قراردادهای خود شرط کنند که در صورت تأخیر در پرداخت، وجهی به ذمه متعهد تعلق گیرد و بانک مرکزی با شورای نگهبان در خصوص ذکر این شرط در قراردادهای اعطای تسهیلات به شرح زیر توافق کردند:

در صورت عدم تسویه کامل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل علاوه بر اصل بدهی مبلغی به ذمه امضاءکننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت. از این رو وام یا اعتبار گیرنده با امضای این قرارداد ملزم و متعهد می‌شود تا زمان تسویه کامل اصل بدهی ناشی از این قرارداد، علاوه بر بدهی تأدیه نشده، مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای ارسال نسبت به بدهی مذکور بر حسب قرارداد به بانک پرداخت نماید(نظریه شماره ۷۷۴۲ شورای نگهبان، ۱۳۶۱/۱۱/۲۸).

این روش فقط مشکل اعطای تسهیلات آینده را حل می‌کرد و نسبت به وام‌های قبلی راه‌حلی ارائه نمی‌کرد. تا این که مجمع تشخیص مصلحت نظام با تصویب مصوبه زیر، به بانک‌ها اجازه داد تا در مورد

وام‌ها و تسهیلات مالی اعطایی قبل از قانون عملیات بانکی بدون ربا، خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کنند هر چند شروط فوق در آن گنجانده نشده باشد. ماده ۱ قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها مقرر می‌دارد:

کلیه وجوه و تسهیلات مالی که بانک‌ها تا تاریخ اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ مجلس شورای اسلامی، به اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان پرداخت نموده‌اند، اعم از آن که قراردادی در این خصوص تنظیم شده یا نشده باشد و مقرر بوده است که بدهکار در سررسید معینیه تسهیلات مالی و وجوه دریافتی را اعم از اصل و سود و سایر متفرعات مسترد دارد، بر اساس مقررات و شرایط زمان اعطای این وجوه و تسهیلات قابل مطالبه و وصول است و کلیه محاکم دادگستری و مراجع قضایی و دوائر اجرایی ثبت مکلف هستند طبق متفرعات و شرایط زمان اعطای وجوه و تسهیلات رسیدگی و نسبت به صدور حکم و وصول مطالبات بانک‌ها اعم از اصل و هزینه‌ها و خسارات و مقررات متعلقه خسارت تأخیر تأدیه و غیره اقدام نمایند (روزنامه رسمی شماره ۱۳۱۸ - ۶۹/۳/۱۳).

و در نظریه ۶۹/۳/۱۳-۱۳۱۸ خود، اخذ خسارت تأخیر تأدیه را برای بانک‌ها به شرطی که در ضمن قرارداد شرط شده باشد مجاز دانست (روزنامه رسمی، شماره ۱۳۱۸ - ۶۹/۳/۱۳).

مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص چک برگشت شده، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از سوی مردم - نه الزاماً مؤسسه‌های دولتی - را به رسمیت شناخت و در استفساریه از تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون چک مصوب ۷۶/۳/۱۰، مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۷۷/۹/۳۱ به شرح زیر اظهار نظر کرده است:

منظور از عبارت در کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده ... «مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص نظام، خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شد و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه‌های قانونی است» (روزنامه رسمی، شماره ۱۵۷۱۶ - ۱۳۷۷/۱۱/۱۷).

مجمع تشخیص مصلحت نظام، با این نظر برای اولین بار مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از سوی مردم در مورد چک را به رسمیت شناخت و مقدار خسارت قابل مطالبه را به اندازه نرخ تورم تعیین نمود (شمس، عبدالله، شرح قانون آیین دادرسی مدنی، ۱، ۴۲۸).

در نقد مجمع تشخیص به جای شرط ضمن عقد، تورم و کاهش ارزش پول لحاظ شده است و اگر نرخ تورم صفر باشد مطالبه خسارت تأخیر تأدیه وجاهتی نخواهد داشت. ولی در سال ۷۹ قانونگذار در ماده ۵۲۲ قانون آیین داری مدنی همه دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج باشد را مشمول خسارت تأخیر تأدیه کرد.

به نظر می‌رسد استدلال شورای نگهبان از حرمت خسارت تأخیر تأدیه در ابتدا و نظر بسیاری از فقها ربا است در صورتی که خسارت تأدیه در ابتدا و نظر بسیاری از فقها ربا است در صورتی که خسارت تأخیر تأدیه با ربا تفاوت دارد.

۵-۳- تفاوت خسارت تأخیر تأدیه با ربا

خسارت تأخیر تأدیه با ربا تفاوت دارد زیرا ماهیت ربا را دو چیز معین می‌کند:

الف - مال بدست آمده یکی از دو عوض معامله یا از توابع آن باشد و سببی مستقل نتوان برای تملک فرض کرد.

ب - چیزی زیادتر از آنچه داده است دریافت کند. به عنوان مثال اگر کسی یک خروار گندم به کشاورزی وام بدهد که در سرخرمن دو خروار بگیرد، ربا خورده است زیرا بدون سبب خاصی برای تملک یک خروار اضافی به عنوان قرض و در درون قرض، آن را به باطل به چنگ آورده است.

ولی آن چه در «خسارت تأخیر تأدیه» آمده فاقد دو رکن مذکور است زیرا:

۱- مبلغ مورد پرداخت به وام هنده به عنوان مبلغ اضافی نیست بلکه، کمترین خسارتی است که طلبکار در نتیجه‌ی، محروم ماندن از سرمایه خود در وعده‌ی معهود تحمل کرده است. این غرامت نیز ترکیبی از دو رکن اصلی خسارت است: الف - بخشی که ناشی از سود از دست رفته است. ب - بخش دیگر که ناشی از ضررهای متعارف و از جمله کاهش توان خرید پول است (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۴، ۲۷۰).

در حقوق ما چون خسارت به طور معمول به پول پرداخته می‌شود، در دعاوی که موضوع آن «وجه نقد» است، اگر مالی از همان جنس و زاید بر طلب به مدعی پرداخته شود، این اقدام را مشابه رباخواری جلوه می‌دهد. ولی از نظر تحلیلی سبب گرفتن پول دوم، توافق دو طرف بر زیاده‌خواری در برابر مؤجل ساختن دین حال نیست بلکه سبب تقصیری است که بدهکار در اداء دین مرتکب شده و از این راه به طلبکار خسارت زده است. پس، آن چه بابت خسارت تأخیر گرفته می‌شود عوض اضافی در برابر دین

نیست، بلکه التزامی است جداگانه که سبب آن تقصیر بدهکار است و در شمار ضمان‌های قهری می‌آید. به بیان دیگر، خسارت تأخیر تأدیه سبب ویژه و مشروع خود را دارد و بدل زاید بر اصل نیست تا «خوردن مال دیگری به باطل» باشد (همان، ۲۷۲).

۶- خسارت تأخیر تأدیه در قانون آیین دادرسی مدنی جدید

در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، خسارت تأخیر تأدیه دوباره احیاء شده ماده ۵۲۲ به این موضوع اختصاص یافت و چنین مقرر می‌دارد: «در دعاوی‌ای که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکین مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند».

در این ماده قانونگذار واژه عام دین را به کار برده یعنی هر تعهدی با موضوع وجه نقد که منشأ آن می‌تواند عقد قرض (دین به مفهوم اخص) و یا هر عقد دیگری و یا حتی وقایع حقوقی مانند غصب، اتلاف، تسبیب و ... باشد و پیش‌بینی خسارت تأخیر در ادای دین، در کنار خسارات دادرسی و خسارت ناشی از تأخیر در انجام تعهد از نکات مثبت قانونی جدید است (شمس، ۱۳۸۲، ۱، ۴۲۸).

۷- شرایط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه طبق ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی

- ۱- موضوع اختلاف و دعوا، دین و جنس آن دین از نوع وجه رایج باشد که بدهکار بایستی در موعد مقرر به طلبکار پرداخت می‌کرده است.
- ۲- از زمان سررسید تا هنگام پرداخت شاخص قیمت‌ها تغییر فاحش پیدا کرده باشد و نرخ تورم از زمان سررسید تا زمان پرداخت به حدی باشد که عرفاً قابل مسامحه نباشد.
- ۳- خسارت تأخیر تأدیه از زمان مطالبه قابل محاسبه است.
- ۴- مدیون در پرداخت دین تمکن داشته باشد، ولی از پرداخت دین خودداری کرده باشد. اما اگر معسر باشد، مسؤول پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نخواهد بود.

۵ - مراد از مصالحه طرفین به نحو دیگری، با توجه به این که شورای نگهبان ابتدا مطالبه خسارت تأخیر تأدیه بانک‌ها را بر اساس شرط طرفین صحیح تلقی کرد، به نظر می‌رسد در صورت وجود قرارداد خصوصی بین طرفین راجع به میزان و نحوه خسارت تأخیر تأدیه، خسارت تأخیر تأدیه بر اساس توافق طرفین باید تعیین شود. ولی آن چه محل تردید باقی می‌ماند این است که اگر طرفین برخسارت تأخیر تأدیه احتمالی بر مبلغی فراتر از نرخ تورم توافق کنند آیا شائبه ربا نمی‌رود؟ و اصولاً اگر معتقد باشیم خسارت تأخیر تأدیه خسارتی است که در نتیجه محروم شدن طلبکار از سرمایه‌اش به وجود آمده، نقش تمکن مدیون و مسؤولیت او در نقض قرارداد و تأخیر در پرداخت چیست؟ شاید پاسخ این باشد که پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را نوعی مجازات بدانیم که با وجود تمکن سوءنیت مدیون در پرداخت مشخص می‌شود ولی با توجه به نرخ تورم و کاهش ارزش پول، گناه بستانکار چیست که باید ضرر را تحمل کند. از حیث شکلی، به نظر می‌رسد قاضی باید اصل را بر متمکن بودن متعهد استوار سازد و بر طبق آن رأی دهد مگر اینکه قبلاً اعسار متعهد اثبات شده باشد (نگارنده).

۸- نظر فقها در مورد خسارت تأخیر تأدیه

نظرات فقهاء را می‌شود به سه دسته تقسیم کرد:

۱- گروهی معتقدند گرفتن مبلغ مازاد بر اصل بدهی تحت عنوان خسارت تأخیر تأدیه غیرمشروع است که آرای آنها به شرح زیر است:

آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی معتقد است که خسارت تأخیر تأدیه قبل از سررسید و بعد از آن در ضمان بدهکار نیست هر چند که وی توانایی پرداخت داشته و طلبکار نیز دین را مطالبه کرده باشد (یزدی، بی‌تا، ۱، ۲۷۸).

ایشان در پاسخ به سؤالی در زمینه کاهش شدید ارزش پول می‌گویند:

هر گاه آن دین مؤجل و تنزل قیمت پیش از طول اجل باشد، خسارت بر طلبکار است . . . و اما اگر طلب خود را مطالبه کند و مدیون در پرداخت بدون وجه شرعی تعلل بورزد پس در صورت تنزل قیمت، از کیسه طلبکار رفته است، چنان که در غضب می‌گویند (همان، ۲۷۹).

امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤالی در باره شخصی که ضمن عقد قرض، در باره قدرت خرید، شرط ضمان کرد گفت: «شرط مذکور نافذ نیست و همان مبلغی را که قرض گرفته، ضامن است و قدرت خرید پول در این مسأله اثر ندارد» (امام خمینی (ره)، استفتائات، ۲، ۱۹).

نظر آیت ... وحید خراسانی و ناصر مکارم شیرازی و آیت ... مظاهری نیز بر حرمت است و آن را رباخواری می‌دانند (سایت مشرق زمین، نظر مراجع ۹۰/۱۰/۱).

۲- برخی از فقهاء گرفتن خسارت تأخیر تأدیه را جایز دانسته‌اند که از جمله آنها:

شهید صدر در مباحث علمی خویش می‌پذیرد که در اوضاع کنونی که ارزش پول به طور مستمر رو به کاهش است، به گونه‌ای که پس از چند سال، پول ارزش حقیقی خود را از دست می‌دهد، دیگر نمی‌توان پول امروز را مثل پول چند سال پیش دانست. بنابراین اگر بانک هنگام وفا به دین خویش، ارزش واقعی پول را که پیش گرفته پردازد، ربا و حرام نخواهد بود (صدر، البنك اللاربوی).

آیت ا. . . خامنه‌ای در پاسخ به سؤالی، در این زمینه چنین نگاشته‌اند: خسارت ناشی از تأخیر بدهی، اگر ثابت شود که مستند به تأخیر تأدیه است، در ضمان بدهکار است و حکم ربا ندارد (روزنامه اطلاعات ۷۸/۲/۲ در پاسخ به سوال رئیس کل دادگستری تهران).

۳- برخی دیگر از فقهاء قائل به تفضیل شده‌اند:

آیت ... گلپایگانی در باره خسارت تأخیر تأدیه در جریمه‌های بانکی می‌گوید:

شرط زیاده، اگر چه به عنوان حق الزحمه و سایر مذکورات و سؤال باشد، ربا و حرام است و جریمه نیز حرام است، ولی اگر مدیون به نحو شرعی در ضمن عقد خارج لازم، ملتزم شده باشد که اگر از موعد تأخیر انداخت مبلغ معینی مجاناً بدهد اشکال ندارد (گلپایگانی، ۱۳۸۲، ۲، ۹۱).

برخی از فقهای معاصر میان غصب پول با غیرغصب تفاوت قائل شدند و در خصوص غصب، کاهش ارزش پول را در ضمان غاصب دانسته و در غیرغصب، گرفتن مازاد را تحت عنوان ضمان کاهش ارزش پول، برخلاف ادله روایتی قلمداد کرده‌اند (حائری، بی‌تا، ۱۹ و ۲۰، ۷۷).

برخی فقها نیز به لزوم جبران تأخیر تأدیه از جمله کاهش ارزش پول حکم کرده‌اند، ولی مصالحه را به صورت احتیاط یا فتوا، مطلوب و لازم شمرده‌اند (بهجت، فتوی شماره ۵۶۹۰، ۱ - ۷۹/۴/۴).

فقهای که خسارت تأخیر تأدیه در مورد وجه نقد را حرام اعلام کردند، آن را ربا می‌دانند و فقهای که اخذ خسارت را در قالب وجه التزام یا شرط ضمن عقد جایز اعلام کردند، استدلالشان این است که تأخیر

مدیون در بازپرداخت بدهی خود با توجه به تورم و کاهش ارزش پول موجب ضرر می‌شود و جبران این ضرر با خسارت تأخیر تأدیه تامین می‌شود.

۹- ادله فقهی

ادله فقهی را می‌توان در ۴ مورد بررسی کرد: شرط در ضمن عقد اصلی، شرط در ضمن عقد خارج لازم، ضمان نسبت به کاهش ارزش پول و ضمان نسبت به خسارت عدم‌النفع.

۹-۱- شرط در ضمن عقد اصلی

خسارت دیرکرد گاهی ناشی از عقد قرض است و گاه از عقود دیگری ناشی می‌شود. تفاوت این دو در روایاتی است که در باب قرض وارد شده و هر نوع شرطی در خسارت تأخیر تأدیه را که به نفع قرض دهنده باشد. حرام اعلام می‌کند (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۸، ۱۴۴).

به همین دلیل بیشتر بر این باورند که خسارت تأخیر تأدیه حتی اگر به صورت شرط ضمن عقد قرض درآید باز حرام و نامشروع است. زیرا مفاد این شرط، نفعی را به صورت معلق به قرض دهنده باز می‌گرداند. برخی نیز عقیده دارند ربا در صورتی است که قرض دهنده با شرط مزبور، قرض گیرنده را مجاز به تأخیر در پرداخت قرض در مقابل مبلغی پول سازد، ولی اگر مقصود دومی، الزام قرض گیرنده به ادای دین در سررسید و در اصطلاح «وجه التزام» باشد بدون اشکال خواهد بود. برای مثال، قرض دهنده شرط می‌کند که اگر دین را در سررسید معین نپرداخت به ازای هر سال، ۱۲ درصد اصل بدهی به ذمه وی بیاید. چنین چیزی مشمول روایات نهی از ربا نخواهد بود (صافی گلپایگانی، پاسخ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۲ به استفتای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم).

اما در صورتی که منشأ دین، عقود دیگری غیر از قرض باشد، مثل ضمن عقد بیع سلف یا بیع نسبه، شرط خسارت در صورت تأخیر تأدیه شود، ادله ویژه قرض، مصداق نخواهد داشت. زیرا همان گونه که با بیع در بیع نسبه می‌توانست بر خریدار شرط کند که تا آخر سال، ماهانه مبلغ معینی را به او مجاناً هبه کند. به همان ترتیب می‌تواند شرط کند که در صورت تأخیر در پرداخت ثمن در موعد مقرر، ماهانه مبلغ معینی را به وی تملیک کند (شهید صدر، ۱۴۰۳، ۱۷۴).

در این صورت شرط مورد بحث مشروعیت و نفوذ خود را از دلیل لزوم بیع و ادله نفوذ شرط می‌گیرد نه از قرض، تا ربا پدید آید. از طرف دیگر، پرداخت مبلغ مازاد در برابر تمدید مدت و اعطای مهلت نیست تا مشمول روایاتی باشد که هرگونه مبلغ اضافی را در ازای تمدید سررسید، حرام اعلام می‌کند (نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ۱۸، ۳۷۶).

۹-۲- شرط در ضمن عقد خارج لازم

برخی از فقهاء که مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را به صورت شرط ضمن عقد اصلی قبول نداشتند، آن را در ضمن عقد خارج لازم پذیرفتند که از جمله آنها آیت ا... گلپایگانی است. به نظر ایشان، داین می‌تواند کالای کوچک رابه مدیون بفروشد و در ضمن، شرط کند که اگر وی رأس مدت مقرر، این را نپرداخت، مبلغی را مجاناً به داین تملیک کند.

علت قید مجانی بودن آن است که اگر تملیک مزبور در ازای اعطای مهلت باشد، مشمول روایات خاص است. در این صورت نیز شرط تملیک مجانی مبلغی در صورت تأخیر در پرداخت، مشروعیت نفوذ خود را از عقد قرض نمی‌گیرد و در ازای سررسید نیست تا ربا لازم آید (گلپایگانی، ۱۳۸۲، ۹۱).

۹-۳- ضمان کاهش ارزش پول

در کشورهایی که از اقتصاد پویا برخوردار نیستند، ارزش پول همواره به دلیل سیاست‌های نادرست مالی و ازدیاد نقدینگی و در نتیجه رشد تورم در حال کاهش است به گونه‌ای که قدرت خرید پول همواره تقلیل می‌یابد تا جایی که دریافت وام‌های کلان و سرمایه‌گذاری در امر غیرمنقول بسیار جالب است زیرا با رشد تورم و افزایش نقدینگی پرداخت اقساط دشواری ماه‌های اول اخذ وام را نخواهد داشت. از طرفی مورد سرمایه‌گذاری ارزش مضاعف پیدا می‌کند. با این وصف مباحث مختلفی در این ارتباط مطرح می‌شود: آیا قرض‌گیرنده می‌تواند ارزش واقعی پول در هنگام دریافت را به قرض‌دهنده تضمین کند؟ به طور مثال اگر یک میلیون ریال برای مدت یکسال قرض می‌گیرد تضمین نماید که در سال آینده مبلغی را به قرض‌دهنده مسترد کند که قدرت خرید سال قبل را داشته باشد.

به نظر می‌رسد اگر مدت تأخیر مدیون کوتاه باشد و در این مدت اوضاع اقتصادی دگرگون نشود، نوعاً بر چنین موردی مسامحه می‌شود و اگر در مدت قرض پول ارزش خود را از دست بدهد. با توجه به قاعده

احسان که قرض بر آن مبتنی است، مطالبه مبلغی بیشتر از میزان رشد تورم جایز نیست ولی اگر تأخیر مدیون مدتی طولانی شود و در این مدت تورم نقش تعیین کننده‌ای ایفا کند، مدیون ضامن است. (نگارنده).

۱۰- نتیجه

آرای فقها در مورد اخذ خسارت تأخیر تأدیه بر سه دسته است:

- ۱- اخذ خسارت تأخیر تأدیه تحت هر عنوانی حرام و از مصادیق ربا است.
- ۲- با توجه به کاهش ارزش پول، گرفتن خسارت تأخیر تأدیه جایز است و حکم ربا ندارد.
- ۳- شرط زیاده اگر به عنوان حق الزحمه باشد ربا و جریمه نیز حرام می باشد. ولی اگر مدیون به نحو شرعی در ضمن عقد خارج لازم ملتزم شده باشد که اگر از موعد آن تأخیر انداخت مبلغ معینی مجاناً بدهد اشکال ندارد.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در ماده ۵۲۲، دعوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و مدیون در صورتی که متمکن باشد و داین هم طلب رامطالبه کند و او از پرداخت امتناع ورزد، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه، از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، اخذ خسارت تأخیر تأدیه را با توجه به شاخص نرخ تورم جایز دانسته است.

در ماده ۷۸ کنوانسیون، خسارت تأخیر تأدیه و بهره به صورت کلی پذیرفته شده و متعهد باید علاوه بر اصل دین آن را پرداخت کند و در مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نیازی به اثبات ورود واقعی زیان نیست حتی اگر ثابت شود که بر اثر تأخیر تأدیه زیانی به متعهد وارد نشده است. صرف این امر نمی‌تواند نافی حق وی در مطالعه خسارت تأخیر دیه گردد و تنها شرط تعلق بهره، امتناع یا تأخیر در پرداخت است و متعهد له علاوه بر بهره‌ی دیرکرد در صورت تحقق خسارت‌های دیگر می‌تواند آن را هم مطالبه کند.

در کنوانسیون نرخ سود مشخص نشده است و در آراء صادره نیز تشتت به چشم می‌خورد ولی در عین حال بسیاری معتقدند که نرخ بهره تابع قانون کشوری است که مطابق قواعد حل تعارض به عنوان قانون حاکم معین می‌شود و در خصوص نرخ بهره دو دیدگاه اصلی وجود دارد:

- ۱- نرخ بهره مشمول کنوانسیون نیست. بنابراین باید به قانون حاکم مراجعه کرد.

۲- نرخ مزبور بر طبق اصول کلی کنوانسیون قابل تعیین است. البته مشخص نیست که از نظر آنها کدام اصل، قضیه را حل می‌کند و این خود بر ابهام قضیه می‌افزاید.

پیشنهاد

با توجه به ابهاماتی که در ماده ۵۲۲ و نظریات شورای نگهبان وجود دارد و از طرفی ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی شکلی است، قانون روشن و مشخصی برای الحاق به قانون مدنی تدوین کنند.

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- امامی، حسن، ۱۳۷۱، حقوق مدنی، اسلامیه، تهران، چاپ ششم.
- ۳- بهجت، محمدتقی، بی‌تا، استفتای شماره ۵۶۹۰ - ۷۹/۴/۴ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۲، ترمینولوژی حقوقی، گنج و دانش، تهران.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، بی‌تا، مجموعه محشی قانون مدنی.
- ۶- جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، ترجمه مهرباب داراب‌پور، انتشارات گنج و دانش، تهران.
- ۷- حائری یزدی، کاظم، بی‌تا، مقاله (بررسی اوراق نقدی از منظر فقهی) مجله فقه اهل‌بیت (ع)، سال پنجم، شماره ۱۹ - ۲۰.
- ۸- دهخدا، علی اکبر، بی‌تا، لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- شمس، عبدالم...، ۱۳۸۲، آیین دادرسی مدنی، انتشارات میزان، تهران.
- ۱۰- صافی گلپایگانی، پاسخ به استفتای ۱۳۸۲/۱/۱۲، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
- ۱۱- صفائی، سید حسین، ۱۳۸۷، حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۲- قاسم‌زاده، سید مرتضی، ۱۳۸۵، حقوق مدنی (اصول قراردادی ما و تعهدات) نشر دادگستری، تهران.
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

- ۱۴- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۵- محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۶، قواعد فقه (بخش مدنی)، وزارت ارشاد، تهران.
- ۱۶- معین، محمد، بی تا، فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۷- موسوی خمینی (ره)، روح ا...، ۱۳۷۵، استفتائات، انتشارات اسلامی، قم.

ب - منابع عربی

- ۱۸- حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۴، جلد ۱۸، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم.
- ۱۹- راغب اصفهانی، ابی القاسم، ۱۴۰۴، حسین بن محمد، مفردات غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، بی جا.
- ۲۰- طباطبائی، سید علی، ۱۴۰۴، ریاض المسائل، جلد ۲، مؤسسه آل البيت، قم.
- ۲۱- صدر، سید محمدباقر، ۱۴۰۳، النبک اللاربوی، دارالتعارف للمطبوعات، بی جا.
- ۲۲- مغنیه، محمد جواد، بی تا، فقه الامام جعفر الصادق (ع)، نشر محمدی، قم.
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱، قواعد فقهیه، مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)، بی جا.
- ۲۴- نجفی، محمد حسن، ۱۳۷۲، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۸ انتشارات اسلامی، تهران.

ج - قوانین

- ۲۵- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸.
- ۲۶- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹.
- ۲۷- قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰.
- ۲۸- قانون صدور چک مصوب ۸۲.
- ۲۹- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۰۷.
- ۳۰- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷.
- ۳۱- روزنامه رسمی

د - سایتها

- ۳۲- صانعی، یوسف، blogfa.com وبلاگ تخصصی فقه و حقوق، ۷۸/۱۱/۱۵.
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر، makarem.ir، پایگاه اطلاع رسانی دفتر ناصر مکارم شیرازی.

۳۴- نظر مراجع عظام در مورد اخذ جریمه دیرکرد وام meshregnews.ir، ۱۳۹۰/۱۰/۱۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی